

## رسول پویان

# طالبان و روزهای دشوار هرات

### بخش ششم

#### توضیح

مردم ما وحشت و خشونت طالبان را با گوشت و پوست خود لمس، احساس و درک کرده اند. از خون پاک قربانیان بی دفاع در وجه و جب خاک میهن لاله های خونینی دمیده که پیام این ظلم و ستمگری را به نسل های آینده می رسانند. در باره طالبان زیاد نبشته شده است؛ اما در این نگاره فقط گوشه هایی از طرز حکومت استبدادی طالبان در عمل و به طور عینی در ولایت هرات به رشته نگارش درآمده است؛ بی شک که می تواند ماهیت واقعی این گروه را در عمل هویدا سازد.

#### دفن موسیقی و هنر

موسیقی و ساز و آواز ریشه در تاریخ و فرهنگ هرویوان دارد. در عهد دولت های مستقل خراسانی از جمله غزنویان و تیموریان موسیقی در هرات رونق زیادی داشت و محافل شاهانه و مجالس سرور مردمی با موسیقی زینت می یافت. این مطلب در یکی از ضرب المثل های هراتی به شکل خوبی تجلی پیدا کرده است: عروسی بی ساز و آواز، زن بی ناز و دیگ بی پیاز مزه ندارد. مردم هرات با شعر و موسیقی از قدیم عشق و علاقه داشتند.

پس از انتقال قدرت از دولت نجیب الله به مجاهدین بعضی از عناصر تندرو و متعصب موسیقی را به دار کشیدند و موسیقی نوازان را در عزا نشانند؛ لیکن در دوره طالبان نوحش نیمه جان موسیقی در گورستان سرد و خموش هریوای باستان به خاک سپاریده شد و هر نوع شنیدن و نواختن موسیقی غیر شرعی و حرام اعلان گردید. طالبان در سطح هرات به انهدام آلات موسیقی و مجازات شدید شنوندگان و نوازندگان پرداختند.

به تاریخ 4 قوس 1375 از امواج رادیو هرات چنین اعلان شد: تعدادی از جوانان کרוخ در حال نواختن موسیقی و رقص و سماع توسط ماموران امر به معروف و نهی از منکر دستگیر شدند. روی شان سیاه گردید و در شهر چرخ داده شدند تا جامعه از آنها عبرت بگیرد.

طالبان شنیدن موسیقی را در ردیف گناهان کبیره، مانند زنا و نوشیدن شراب قرار دادند. در روزنامه اتفاق اسلام 16

دلو 1376 موسیقي و سرود از بزرگترین دست آوردهای ابلیس معرفی شده بود.

این برداشت اوج دشمنی طالبان را به عشق و سرور، شور و نشاط و زنده دلی انسانی نشان می‌دهد. از موسیقی نه تنها آدم‌ها، بلکه حیوانات هم لذت می‌برند. گویند که در فضای موسیقیدار نباتات بهتر رشد و نمو می‌کنند. از این بر می‌آید که طالبان با روان بیمار، عقده‌های درونی خطرناک، تعصب، تبعیض و خشونت هستی‌سوز، هنر و موسیقی را احساس و درک کرده نمی‌توانند. آنان همان‌طور که از آزار، شکنجه و کشتن انسان لذت می‌برند، به قتل هنر و موسیقی نیز افتخار می‌کنند.

در عهد طالبان نه تنها مردم در نظام خشونت و شلاق، شکنجه و زندان، تبعیض و تعصب قومی و فقر و بدبختی زندانی گردیدند، بلکه از عشق و محبت، هنر و موسیقی و شور و نشاط هم محروم شدند. در این دوره تیتر از بین رفت؛ تلویزیون هرات در همان اوایل ورود طالبان تعطیل گردید؛ نقاشی و کشیدن چهره‌جانداران ممنوع گشت و عکس برداری منع شد.

طالبان باور داشتند که هرکس چهره‌جاندار را بکشد باید در روز قیامت به آن جان بدهد. به تاریخ 7 ثور 1375 از طریق رادیو هرات چنین اعلان کردند: از تمام دوکانداران خواسته می‌شود که از نصب و خرید و فروش عکس‌های بی‌روح خودداری کنند.

### قتل کبوتران قشنگ

پرورش کبوتران خانگی در هرات سابقه بس دراز دارد. این کبوتران زیبا در رنگ‌های گوناگون یافت شوند و هراتیان در جوجه‌گیری و ترکیب رنگ‌های آنان مهارت خوبی دارند. قال‌های کفتر در اکثر منازل شهر و ده‌ها موجود است. اهالی هرات این موجودات لطیف و قشنگ را با پری تشبیه نموده و کشتن آن را ناروا و اهریمنی می‌دانند. به راستی که قتل این پرندگان معصوم و دلربا قلبی سنگ و خالی از مهر و عاطفه می‌خواهد.

بلی! طلبه‌ها با قتل عام این کبوتران پری‌وش ثابت کردند که قلبی سخت‌تر از سنگ خارا و خالی از هر نوع رحم، عاطفه، احساس و عشق انسانی دارند. برای آنان قتل انسان، حیوان و محو هنر و موسیقی و آواز خوش و دلکش، لذت بخش می‌باشد.

طالبان با غرور و افتخار به تاریخ 1 جدي 1376 از طریق رادیو هرات اعلان کردند: امروز به تعداد 50 جفت کفتر در قریه سروستان هرات کشف و توسط افراد امر به معروف و نهی از منکر ذبح گردید.

### اجرای فرایض و سنتها در زیر دره و شلاق

مردم هرات با ریش‌های بلند خاکزده، دستارهای گردآلود و کلاه‌های رنگارنگ پاکستانی و هراتی در زیر بیرق سفید طلبه‌ها و خشونت روزافزون آنان عادت گرفته بودند و با قیودات شرعی و دره محتسبان و شلاق پولیس بی‌فورم و نشان طلبه‌ها سازگاری می‌کردند.

پولیس مذهبی طالبان در نمازهای پنجگانه مردم را به زور شلاق به مساجد می‌فرستادند و دوکانهای شان را به زور می‌بستند. در وقت نماز کسی نمی‌توانست از جلو مساجد عبور کند؛ زیرا طالبان شلاق به دست با شلاق به جان آنها می‌افتادند. شنیده‌ام که بعضی از جوانان از ترس طالبان بدون وضو به نماز می‌ایستادند، چون در آن وقت تنگ فرصت وضو گرفتن را نداشتند و شلاق کور طالب هم زبان نمی‌فهمید.

اهالی محلات مجبور بودند نمازهای خفتن را در مساجد محلات اداء نمایند و هر شب به ملا امام مسجد مربوطه خود حاضری بدهند. طالبان در زیر چتر مذهب سیستم اختناق آور استخباراتی را در هرات مستقر کرده بودند و به این طریق خروج و ورود افراد را در محلات زیر نظر می‌گرفتند. تبلیغ و ترویج را طالبان از طریق مساجد به وسیله ملا امام‌ها در جامعه پیاده می‌کردند.

تفتیش عقاید و پرسش اصول و فروع دین و دیگر سوالات مذهبی هر روز در بازارهای شهر جریان داشت و پولیس مذهبی مردم را در صفوف طولانی ایستاد می‌کرد و از آنها امتحان می‌گرفت. بسیاری از مردم زبان طالبان را نمی‌فهمیدند. درک پشتو و فارسی آمیخته با اردوی طالبان برآستی برای هراتیان بسیار دشوار بود. بسیاری از مردم به جرم زبان ندانی در حضور انبوهی از هم‌شهریان شلاق می‌خوردند و به آبرو و شخصیت شان به طور بسیار بی‌رحمانه و ظالمانه تجاوز می‌شد.

### صف قوماندانی امنیه و پاسپورت

شعبه پاسپورت در دوره مجاهدین و طالبان از پر درآمد ترین شعبات هرات بود و در بین قوماندان امنیه و رئیس پاسپورت همیشه نوعی شراکت وجود داشت و این همواره تداخلاتی در بین کار قوماندان امنیه و والی شهر در اعطای امر پاسپورت خلق می‌کرد. در ابتدای ورود طالبان طول این صف اندکی کوتاه شده بود؛ اما به مرور زمان دراز تر گردید و ورود به قوماندانی امنیه مشکل تر شد و این سختگیری‌ها سطح رشوه را بالاتر می‌برد.

گاهی برای داخل شدن مردم به قوماندانی امنیه جهت ضرورت رسمی ساعت‌ها انتظار می‌کشیدند و زمانی درد و داغ شلاق دربانان این ستمکده را با دلی‌خونین تحمل می‌کردند و از بیم و هراس سلطه استبداد ناله و فغان هم کشیده نمی‌

توانستند. مردم هری چنان از فشار دام های صیادان سنگدل خسته و فرسوده به نظر می آمدند که دیگر شاید تپیدن را هم فراموش کرده بودند.

شرایط و موقعیت به اندازه ناسازگار بود که امکان هرگونه حرکت و جنبش را از مردم سلب می کرد. در چنین فضا و حالت یا جامعه به سوی انفجار بی برنامه بهتر است بگوئیم انفلاق می رود و یا تسلیم پذیری و فرمانبرداری را قبول می کند و به زندگی بخور و نمیر قناعت می نماید؛ زیرا به حال و آینده امیدی ندارند.

طالبان از حلم و شکیبایی هراتیان سوء استفاده کردند و از آزار و شکنجه آنان لذت می برند. آنان عقده های چرکینی که از شمال افغانستان بدل گرفته بودند، بالای مردم مظلوم و صبور هرات خالی می کردند. در اینجا است که هراتیان راهی به جز مبارزه برای آزادی و رهایی از اسارت نداشته و ندارند.

### مستی هریزود

طی جنگ درازدامن اخیر به شبکه آبیاری سنتی و قدیمی هرات صدمات و خسارات فراوانی وارد آمد و در اثر مستی سیلاب های بهاری و تغییر بستر رود هری اراضی مزروعی وسیعی در دلب رود تخریب و دهکده های زیادی آسیب دیدند. تغییر بستر رود بستن بند های خاکی جویباران را به مشکل رو به رو کرده و جریان آب را به برخی اراضی مزروعی بسی دشوار ساخت.

در پایان برج ثور 1376 که گندمزاران تازه شیره کرده بود، شالی ها از دل خاک سربرآورده و سبزبر و فالیز باب نیاز به آب فراوان داشتند، یکبارگی بند ریگ جوی انجیل و بند خاکی جوی آلنجان را آب برد و هزاران فامیل دهقان را در سوگ کشتزاران شان نشانید. نقل کنند که جوی آلنجان در حدود 360 جفت گاو زمین مزروعی را مشروب سازد که هر جفت گاو آلنجان 40 جریب می باشد.

بازسازی و نوسازی شبکه آبیاری هرات و مهار نمودن سیلاب های بهاری هریرود یکی از نیاز های اساسی محسوب می گردد و در رشد و انکشاف زراعت هرات نقش بسیار مهم دارد. اجرای این پروژه حیاتی ضرورت به پلان استراتیژیک می داشته باشد. با احداث بندهای بزرگ و بندهای آبگردان مناسب در مسیر هریرود ظرفیت استفاده از آب این رود به اندازه کافی بالا رفته و در زراعت و شبکه آبیاری این ولایت انقلاب عظیمی پدید خواهد آمد.

مؤسسه خیریه اسکان بشر ملل متحد جهت بستن بندریگ تلاش زیادی کرد. چنانکه فشرده آن در روز نامه اتفاق اسلام 10 جدی 1377 چنین درج شده است:

پرچاوه بند ریگ با زیربنای دو هزار متر مربع، هشت هزار مترمکعب کندنکاری و به حجم مجموعی هفت هزار متر مکعب پاک کاری و 2200 متر مکعب سنگ کاری با مصالح کانکریتی و 280 متر مکعب کانکریت ریزی ادامه دارد. مصرف نقدی این پروژه 28 هزار لک افغانی برآورد شده که ده هزار آن را خود اهالی پرداخته و متباقی را مؤسسه مزبور تأمین کرده است. باید گفت که تا کنون چند بار این بند تعمیر شده و دوباره به سبب عدم استحکام بستر رود تخریب گردیده است. دهقانان هرات همواره از سیلابهای بهاری آسیب می بینند و بستن هر ساله بندهای خاکی آنان را به بیگاری می کشد.

### معارف و تحصیلات عالی

اگرچه وضع عمومی تحصیلات عالی در هرات از همان روزهای نخستین تعریفی نداشت و از کمبود کادر متخصص، وسایل و امکانات درسی و پروگرام علمی و آموزشی رنج می برد؛ لیکن آغاز تحصیلات عالی و تأسیس دانشگاه (پوهنتون) در ولایت هرات گام مفیدی محسوب می شد. با عشق و علاقه محصلان و تلاش و فداکاری استادان می توانست رشد و توسعه پیدا کند. در عهد طالبان زمینه هر نوع رشد و انکشاف در سطوح گوناگون از جامعه سلب شد. در اثر فروپاشی نظام اداری، کناره گیری اکثر کادرهای فنی و مسلکی، محرومیت زنان و دختران از حق تحصیل و کار، برکناری تعداد زیادی از متخصصان و کارمندان سابقه دار هراتی توسط طالبان و پیوستن شان به صفوف طولانی بیکاران و فقیران، لقو دانشکده هنرهای زیبا و غیره هر نوع شوق و علاقه به مکتب و تحصیلات عالی را در جوانان و نوجوانان هراتی سرکوب کرد. معارف و تحصیلات عالی به سقوط رو به رو شد. بیشتر معلمان و استادان به سبب کمی معاش و مشکلات روز مره در زیر فشارهای طالبان ترک وظیفه کردند. هزاران زن و دختر باسواد و تحصیلکره خانه نشین گردیدند. به قول استادان پوهنتون در سال 1377 از 300 نفری که در امتحان کانکور قبول شده بودند، فقط 70 نفر حاضر به ثبت نام در رشته های ادبیات، زراعت، پیداکوچی (دارالمعلمین) و شریعات شده و متباقی از ثبت نام و ادامه تحصیل خودداری کردند. وضع تعلیم و تربیه نیز بسیار آشفته و خراب بود. معاش معلمان کفایت خرج چند روزه آنان را نمی کرد. اختناق و فشارهای طاقت فرسای طالبان همه را خسته و ناامید کرده بود. حجم مضامین دینی در مکاتب زیاد شده و شاگردان از درک و فهم آن عاجز بودند. اطفال خردسالی که تا هنوز بستن دستار را به سر نمی دانستند، مجبور به پوشیدن منديل شدند. در این فضای مسموم و خفه کننده برای علم و دانش و تعلیم و تربیه جایی باقی نمی ماند.

ادامه دارد